

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه بررسی امکان و عدم امکان اخذ قصد قربت در متعلّق امر

در جلسه گذشته بیان گردید که پاسخ محقّق خوبی به استدلال محقّق نائینی «رحمة الله عليهما» از سه جهت مبتلای به اشکال بوده و پاسخ مناسبی نمی باشد و از آنجا که ما قائل به عدم استحاله اخذ قصد قربت به جمیع معانی می باشیم، باید به دنبال پاسخ حلی دیگری بر آییم. در این جلسه به پاسخ از استدلال محقّق نائینی «رحمة الله عليه» می پردازیم.

پاسخ استاد معظم

بیان محقّق نائینی «رحمة الله عليه» در جهت اثبات استحاله اخذ قصد قربت به سایر معانی در متعلّق امر، در حقیقت مشتمل بر صغری، کبری و نتیجه می باشد:

صغرای استدلال ایشان این بود که اخذ قصد قربت به معنای هر یک از دواعی قریبه و یا جامع میان آنها، مستلزم تقدّم هر یک از آنها علی نفسه و همچنین مستلزم داعویّت هر یک از آنها الی نفسه می باشد و از آنجا که تقدّم الشیء علی نفسه و داعویّة الشیء الی نفسه محال است، در نتیجه تعلّق اراده تکوینی مکلف به چنین عملی محال خواهد بود.

اما کبرای استدلال ایشان این بود که هر گاه تعلّق اراده تکوینی مکلف به فعلی ممکن نباشد، تعلّق اراده تشریعی شارع نیز ممکن نخواهد بود.

و اما نتیجه استدلال این بود که ذات عمل مقید به قصد قربت به معنای هر یک از دواعی قریبه و یا جامع میان آنها، نمی تواند به عنوان موضوع تکلیف، متعلّق اراده تشریعی شارع قرار گیرد و این به آن معناست که قصد قربت به جمیع معانی، نمی تواند به عنوان جزء و یا قید شرعی در متعلّق اوامر شارع اخذ شود و هو المطلوب.

صغرای استدلال ایشان مبتلای به اشکال بوده و مورد پذیرش نمی باشد، ولی کبرای این استدلال تامّ بوده و طبعاً نتیجه ای غیر از آنچه ایشان مطرح نمودند حاصل می گردد.

اما صغرای استدلال ایشان مورد پذیرش نمی باشد، زیرا از طرفی داعی و محرّک مکلف بر اراده انجام عمل با قصد قربت، دواعی مذکور به وجود تصوّری و ذهنی آنها می باشد، یعنی مصلحت عمل، حسن آن و یا امری که از ناحیه شارع به آن تعلّق گرفته است، توسط مکلف تصوّر شده و پس از تصدیق به فایده بودن آنها، داعی، محرّک و مقدّمه اراده انجام عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر می شوند؛

و از طرف دیگر اراده تکوینی مکلف، یعنی اراده ایجاد عمل توسط او، از صفات نفسانیّه ای است که در افق نفس، به مرادی در همان افق نفس تعلّق می گیرد. چون اراده به چیزی می تواند تعلّق گیرد که هنوز در خارج تحقّق نیافته است. به این دلیل که اراده آنچه در خارج وجود دارد، طلب تحصیل حاصل است و اساساً وجود خارجی شیء، مانع از اراده ایجاد آن می باشد.

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر».... استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی در نتیجه مدعوّ الیهی که معلول و ذی المقدمه برای تصوّر و وجود ذهنی این دواعی می باشد، عبارت است از اراده ایجاد فعل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر که در افق نفس، ملحوظ مکلف واقع شده اند و بر این اساس، مصلحت عمل، حسن آن و یا امر به آن، تماماً اموری هستند که به وجود ذهنی داعی و محرّک و علّت برای اراده می باشند و مدعوّ الیهی که معلول این دواعی ذهنیه می باشد، اراده ایجاد عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر است که هنوز در افق نفس می باشند و در خارج تحقّق نیافته اند. و زمانی که این اراده محقّق شد، سبب تحریک عضلات در جهت ایجاد عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر در خارجی می گردد و این فرایندی است که در عملیاتی گردیدن هر موضوعی در خارج باید طی شود. لذا اینکه تصوّر شیئی که در خارج نیست داعی و محرّک بر اراده آن شیء شود، نه تنها محال نیست و مستلزم تقدّم الشیء علی نفسه و یا داعیة الشیء الی نفسه نمی باشد، بلکه در اراده هر شیئی ناگزیر از آن هستیم. چون همانطوری که اعظم فرموده اند، اراده مقدماتی دارد که تصوّر مراد و تصدیق به فایده آن از جمله آنها می باشد و زمانی که اراده حاصل شد، تحریک عضلات محقّق گردیده و در نتیجه عمل تصوّری و ذهنی، به وجود خارجی محقّق می شود.

حاصل آنکه: زمانی تقدّم الشیء علی نفسه یا داعیة الشیء الی نفسه لازم می آید که فرض شود وجود خارجی عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر، داعی، علّت و محرّک اراده ایجاد عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر در خارج شده باشد، لکن همانطور که بیان شد، داعی، علّت و محرّک، وجود ذهنی مصلحت موجود در عمل، حسن آن و یا امر شارع می باشد و مدعوّ الیه آن، اراده متعلّق به ایجاد عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر شارع در افق نفس است که این اراده، علّت برای وجود خارجی عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر در خارج می شود.

اما کبرای استدلال و اینکه شما فرمودید «اراده تشریعی شارع به همان چیزی تعلّق می گیرد که اراده تکوینی مکلف به آن تعلّق گرفته باشد» مورد پذیرش می باشد، لکن بر اساس توضیحی که بیان شد، متعلّق اراده مکلف عبارت از ایجاد عمل همراه با قصد مصلحت، حسن و یا امر در افق نفس و ذهن می باشد. لذا متعلّق اراده تشریعی شارع هم در مقام انشاء، همان ایجاد عمل همراه با این خصوصیات در افق نفس و ذهن است که به صورت کلی، انشاء به آن تعلّق گرفته است و چون تعلّق اراده تکوینی مکلف به ایجاد عمل همراه با این دواعی ممکن می باشد، در نتیجه تعلّق اراده تشریعی شارع به ایجاد عمل همراه با این دواعی نیز ممکن می باشد.

در پایان توجّه به این نکته لازم است که با تحلیل مذکور روشن می گردد که در ما نحن فیه یک فرد از اراده تکوینی وجود دارد که تعلّق به ایجاد عمل همراه با این دواعی گرفته، نه اینکه دو فرد از اراده وجود داشته باشد، یکی به فعل به وجود ذهنی و دیگری به فعل به وجود خارجی آن تعلّق گرفته باشد، آن گونه که محقّق خویی «رحمة الله علیه» مطرح نمودند.^۱

و سیّاتی دلیل الثانی للمحقّق النائینی «رحمة الله علیه» فی الدرس الآتی ان شاء الله تعالی.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»